

نقش زن در استحکام بنیان خانواده از دیدگاه اسلام

سید فاطمه ساداتی

کلثوم اسماعیلی

عاتکه محمودی^۱

چکیده

نهاد خانواده، کوچکترین واحد اجتماعی است که اساس و زیرساخت واحد های بزرگ اجتماعی به شمار می آید. افرادی که در این واحد کوچک اجتماعی تربیت می شوند به میزان رشد و تربیت شان در جامعه نقش دارند. زن مظهر خلاقیت خداوند و عنصر اساسی در تشکیل خانواده به عنوان یکی از ارکان اصلی حیات خانواده و در راس همه مسائل می باشد. زنان نقش برجسته و مهمی در آرامش و امنیت خانواده ایفا می کنند. در این نقش، عواملی دخالت دارد که موجب تقویت این وظیفه می شود. به همین دلیل بررسی نگرش آن ها نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است که هدف اصلی این تحقیق است.

کلید واژه:

زن، استحکام، خانواده

^۱ طلاب ورودی ۹۶ مدرسه علمیه ریحانه الرسول نکا

خانواده، یک نهاد محوری در اجتماع است و این نظام کوچک اجتماعی، اصل اساسی واحد های بزرگ اجتماع بشری به شمار می آید که افراد جامعه در این واحد کوچک اجتماعی پرورش می یابند و تربیت می شوند. رشد و شکوفایی و استحکام این نظام، مرهون شناخت و رعایت دقیق حق و حقوق هر یک از اعضای آن نسبت به یکدیگر است.

از آنجایی که زن جایگاه بسیار والایی در جامعه دارد و خانواده کوچکترین واحد اجتماعی جامعه است؛ عنصر اصلی و سازنده خانواده می باشد، با ایفای نقش همسری و مادری، مسئولیت بزرگی را در تحکیم بنیان خانواده بر عهده دارد.

اهمیت پرداختن به این موضوع ریشه در اهمیت و قداست نهاد خانواده دارد، چرا که بدون خانواده هویت انسانی بشر نابود می شود. و از طرفی با توجه به پیشرفت های علمی و تهاجم فرهنگی، سبک زندگی اسلامی دچار تغییر و تحول در همه حوزه های اجتماعی و خانوادگی شده است و نهاد خانواده را با مشکل روبرو کرده است، از این رو برای مقابله با مشکل یاد شده، بررسی نقش زن در استحکام بنیان خانواده برای پیشگیری و رفع این قبیل مشکلات ضروری می باشد.

پیشینه: غلام پور و سکین عبدالغنی (۱۳۸۸) در تحقیق «عوامل تحکیم و تقویت نظام خانواده» به این نتیجه رسیدند که تحکیم خانواده به دو دسته درون خانوادگی و برون خانوادگی بستگی دارد. عوامل برون خانوادگی، به سه محدوده «فرهنگ و محیط اجتماعی» و «خانواده های طرفین» و «اقتصاد جامعه» و عوامل درون خانوادگی به «توجه به جایگاه خانواده»، «مسئله سرپرستی خانواده» و «تثبیت نقش ها» و «محبت زن و شوهر» می پردازد. نوری (۱۳۹۱) در تحقیق «عوامل تحکیم و استحکام خانواده» به این نتیجه می رسد که مهم ترین عامل تحکیم و ثبات یا تزلزل و فروپاشی خانواده، چگونگی رابطه ها و دادوستد عاطفی میان اعضای خانواده، به ویژه زن و شوهر است.

امینی، ابراهیم (۱۳۸۷)، انتخاب همسر - مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، مسئله حجاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام

بانکی پورفرد، امیرحسین، ۱۳۸۱، آئینه زن (مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری). تحقیقات زیادی پیرامون استحکام نهاد خانواده انجام شده اما تحقیق مستقلی که نقش محوری زن را در استحکام بنیان خانواده در بر داشته باشد، یافت نشده است، از این رو تحقیق حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به این امر که نقش محوری زن در استحکام بنیان خانواده از منظر اسلام چیست؟ می پردازد.

دستاوردهای مورد انتظار: حفظ حجاب و عفاف، تحصیلات و گذشت زن مهم ترین نقش را در استحکام بنیان خانواده ایفا می کند و موجب حفظ کانون گرم خانواده می شود.

استحکام در لغت:

استحکام – [حکم]: مص، ج استحکامات: محکم کاری و استواری، محکم شدن.

خانواده در لغت:

خانواده –ص-(ن.د) خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، فامیل، در لغات دیگر خانواده

(ن یا ن د) (امر.) ۱- اهل خانه، اهل البیت. ۲- مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک

سقف زندگی می کنند. ۳- مجموعه خویشاوندان، خاندان ۴- تیره، خاندان

خانواده در اصطلاح:

برای خانواده تعاریف متعددی بیان شده است. بعضی مراد از خانواده را مرد و زن دانسته اند که با هم زندگی مشترکی را شروع کرده اند و عده ای دایره آن را توسعه داده و فرزندان را جزو آن دانسته اند و حتی بعضی دایره آن را به اندازه ای گسترده دانسته فامیل و خویشاوندان را هم جز خانواده فرض نموده اند. در اینجا به چند مورد اشاره می شود:

۱- خانواده به مفهوم محدود آن یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و مرد که فرزندان پدید آمده از آنها آن را تکمیل می کند (یا خانواده را شامل مجموعه ای از افراد می دانند که به هدف و منافع مشترک شخصی گرد هم می آیند (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۲۰).

۲- خانواده گروهی است که به دلیل قرابت و زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی واحد قرار گرفته است (عاملی، ۱۳۵۰).

۳- خانواده اولین هسته جامعه است که از روابط زناشویی و یا خویشاوندی نسبی و یا سببی به نام خانه و کاشانه و یا کلبه بوجود می آید (شفاهی، بی تا، ص ۵).

اما تعریف جامع برای خانواده تعریفی است که با متون دینی مطابقت داشته باشد. متون دینی ما بنیان و تشکیل دهنده اصلی خانواده را یک مرد و زن می داند که فرزندان و قبائل از آنان بوجود می آید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرا و انثی و جعلناکم و شعوبا و قبائل لتعارفوا...» ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم، و شمار ا ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیدم تا با یک دیگر شناسایی متقابل حاصل کنید» (حجرات، آیه ۱۳).

اهمیت تحکیم خانواده

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می باشد. اولین شرط داشتن جامعه ای سالم و پویا، سلامت و پایداری

خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده‌های سالم و امن پدید آمده است. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی می‌تواند انسان را برای دستیابی به بهترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. برخی از سوره قرآن به صورت خاص مسایل خانواده را بیان می‌کنند؛ مانند سوره‌های نساء، انسان، تحریم، طلاق و اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که پایه‌گذاران آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. خدای متعال هدف از ازدواج را رسیدن به آرامش و خوشبختی معرفی می‌کند و در آیه ۲۱ از سوره مبارکه روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است."

خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جا مانده و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند.

روش های تحکیم خانواده

۱- استحکام روابط میان اعضا

علاقه داشتن به یک رابطه ی سالم، ایجاد یک کانون گرم و صمیمی و رسیدن به تفاهم، مسئولیت همه ی اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر است. می توان گفت که حل مسائل زناشویی و خانوادگی مستلزم کوشش همه جانبه ی اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر است.

۲- پیوند بین اعضای خانواده

در ارزیابی روابط زناشویی، هر یک از زوج ها باید بدانند که همسر او نزدیک ترین و محرم ترین فرد به او است. لذا توصیه می شود به همسران به عنوان یک نیمه تن، حامی و پشتیبان نگاه کنید و تلاش نمایید وی را خوش بخت کنید.

خداوند زن و شوهر را به عنوان لباس برای یکدیگر عنوان کرد که در بخشی از آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره می‌خوانیم: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ؛ زنان لباس و پوشش برای شما مردان هستند و شما مردان پوشش و لباس برای زنانتان هستید».

۳- کسب دانش و مهارت

انجام دادن هر کاری به مهارت و دانش نیاز دارد. یعنی برای یک همسر توانا شدن، باید دانایی‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های لازم را کسب کرد. از این رو توصیه می‌شود با مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به تعلیم و تربیت، روان‌شناسی خانواده و آئین همسررداری و شرکت در جلسه‌های آموزشی خانواده به دانش و مهارت خود بیفزایند.

۴- روابط سالم میان اعضا

خانواده نهاد اصلی و ویژه در جامعه است و برقراری روابط انسانی سالم و درست میان اعضای خانواده مهم‌ترین عامل سلامت خانواده است. سعی کنید با همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی، روابط سالمی را میان اعضای خانواده‌ی خود برقرار نمایید. امام صادق(ع) فرمودند: «وَمَنْ حَسُنَ بِرُّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عَمْرِهِ؛ هر کس با خانواده‌اش نیک رفتار باشد، خداوند بر عمرش بیفزاید.

۵- ایجاد امنیت روانی

لازمه‌ی استمرار روابط زناشویی سالم، داشتن تعهد و وفاداری، اعتماد، انصاف، صمیمیت، پذیرش متقابل، سعه‌ی صدر، تفاهم و اعتماد است. با رعایت این اصول نسبت به همسران احساس مسئولیت کنید و در خانه، فضایی سرشار از امنیت عاطفی ایجاد کنید. امام سجاد(ع) فرمود: «... وَ إِنَّ أَرْضَاكُم عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغَكُمْ عَلَى غِيَالِهِ؛ خدا از کسی که زمینه‌ی آسایش خانواده‌ی خود را [آبرومندانه] فراهم سازد خوشنودتر است».

۶- تأیید همدیگر

مورد صحبت و توجه قرار گرفتن از نیازهای اساسی انسان است. سعی کنید در روابط زناشویی تان به طریقی رفتارهای مطلوب همسران را مورد توجه قرار دهید و تأیید کنید. همسر شما باید بفهمد که برای او ارزش قائل هستید. خلاصه آن که تشویق، تأیید و بیان نکات مثبت، باید به طور آشکار و یا در جمع باشد و تذکر نکات منفی و انتقاد باید به شکل محرمانه و در تنهایی صورت گیرد. پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ بهترین شما، بهترین برای خانواده‌اش است».

۷- برخورد منطقی با مشکلات

هم‌سنگ و هم‌وزن تمام فضایل و کمالات متصور برای مردها می‌داند. نهایتاً اینکه اسلام و قرآن با صراحت کامل بر خلقت انسانی زن صحنه گذاشته و بدین طریق تمام بینش‌های انحرافی و تحقیرکننده در مورد زن را نفی می‌کند.

تفاوت زن و مرد از مسائل مهم نظری و کاربردی در مباحث فرهنگی است که امروزه موجبات چالش‌های زیادی گردیده است بدون تردید می‌دانیم که زن و مرد از نظر اسلام، دارای سرشتی واحد هستند و هر دو می‌توانند مدارج

ترقی و تکامل را طی نمایند و برتری در نزد خدا، از آن کسی است که تقوای بیشتری داشته باشد. اما از آنجا که غالب خطابات قرآنی با صیغه مذکر بیان گردیده، این شبهه را ایجاد می‌کند که شاید فقط مردان مخاطب قرآنند و برخی از فضایل و نیکی‌ها تنها از ناحیه مردان قابل کسب است و زنان بدان راهی ندارند. به عنوان مثال قرآن کریم، در سوره آل‌عمران فضایی را به صیغه مذکر، مورد اشاره قرار می‌دهد؛ «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ؛ شُكِّيَايَا وَ رَاسِطُكُيَا وَ فِرْعَاوْنَ وَ هَامَانَ وَ الْأَنْفَاقَ كُنُودًا وَ الْأَنْفَاقَ كُنُودًا وَ الْأَنْفَاقَ كُنُودًا» (آیه ۱۷). سپس در سوره احزاب این ویژگی‌ها را به طور مشخص و به تفکیک، برای زن و مرد برمی‌شمارد؛ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْقَانِتَاتِ وَ الصَّادِقِينَ وَ الصَّادِقَاتِ وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِرَاتِ وَ الْخَاشِعِينَ وَ الْخَاشِعَاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَاتِ وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِمَاتِ وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الْذَّاكِرَاتِ، أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ خدا برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان اهل طاعت و زنان اهل طاعت و مردان راستگوی و زنان راستگوی و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان خداترس و زنان خداترس و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردانی که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند و زنانی که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند آمرزش و مزدی بزرگ آماده کرده است (احزاب، آیه ۳۵).

نکته قابل توجه این است که این آیه با توجه به صراحتی که در اشاره به زنان دارد، در انتها می‌فرماید: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ برای آنها غفران و اجر بزرگی فراهم کرده‌ایم». و از صیغه مذکر «لَهُمْ» استفاده می‌کند و در کنار آن، صیغه مؤنث «لَهُنَّ» نمی‌آورد. (نمی‌فرماید: أَعَدَّ اللَّهُ لَهُنَّ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا). و این نشانگر این معنا است که در بسیاری از خطابات قرآنی که مربوط به انسانیت انسان است نمی‌توان به صرف استفاده از صیغه مذکر، آن را مختص مرد دانست. زیرا در ادبیات عرب، وقتی که جمع مشترکی از زن و مرد مورد نظر باشد و یا جمعی، با قطع نظر از جنسیت آنها مطرح باشند، از صیغه مذکر استفاده می‌شود. در آیات مربوط به حضرت آدم(ع) و بیان خلیفه الهی انسان نیز، همین مسئله مطرح است و نباید بدین

خاطر که این آیات عمدتاً به صورت مذکر و یا با خطاب به آدم(ع) مطرح شده است، زن را از دایره آن خارج دانست. شاهد بر این مدعا، همین که کل جریان داستان حضرت آدم و حوا، در آیات مختلف، گاهی به صورت مفرد و گاهی به صورت تثنیه (دو نفر) آمده است. نکته جالب اینکه در تفسیر شریف «المیزان»، حتی لفظ «رجل» که به معنای مرد است در آیات «و علی الاعراف رجالٌ یعرفون کلاً بسیماهم؛ و بر اعراف مردانی هستند که همه را به نشانی‌شان می‌شناسند (اعراف، آیه ۴۶). و «رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله؛ مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی از یاد خدا بازشان ندارد» (نور، آیه ۳۷) «فیه رجال یحبون ان یتطهروا؛ در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند (توبه، ۱۰۸)، «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه؛ مردانی که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند (احزاب، ۳۳)» را که نیز به معنای مرد، بلکه به معنای انسان صالح، قوی‌الاراده و با فهم و عقلی دانسته است که به کمال انسانی رسیده است و ممکن است مرد باشد یا زن. همچنان که در آیات «و أنه کانَ رجالٌ منَ الإنسِ یعوذونَ برجالٍ منَ الجن؛ و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند» (جن، ۶) و «ما لنا لا نری رجالا کنا نعدّهم منَ الاشرار؛ ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از (زمره) اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم» (ص، آیه ۶۲) به معنای انسانی است که در بعد شیطانی قوی شده باشد، خواه مرد باشد یا زن (احمد حیدری، زن در المیزان، مجله پیام زن، ش ۴۴).

اما اینکه در مواردی دیده می‌شود که قرآن کریم با صراحت نام زن و مرد را در کنار یکدیگر مطرح می‌کند، بخاطر تأکید بر تساوی آنها و زدودن افکار جاهلی قبل از اسلام است، مثلاً در آنجا که بحث عمل و یا عبادات مطرح است، به واسطه اینکه پیش از اسلام برای عمل و عبادت زن هیچ‌گونه اعتباری قائل نبودند، قرآن در آیات متعددی، عمل صالح و ایمان را دارای آثار یکسان برای زن و مرد ارزیابی می‌کند و هیچ‌کدام را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که آیات قرآن، آنجا که عهده‌دار بیان کمالی از فضایل انسان هستند، هیچ‌گونه تفاوتی میان زن و مرد نمی‌گذارند، زیرا این آیات از سه حالت خارج نیستند؛ اول آیاتی که با تعبیری همچون «ناس» و «انسان» همراه هستند و طبعاً تمام اصناف آدمی، اعم از زن و مرد را در بر می‌گیرند، دوم آیاتی که صراحتاً زن و مرد را در کنار یکدیگر قرار داده و حکم واحدی در مورد آنها مطرح می‌کنند و سوم آیاتی که با الفاظ و ضمائر مذکر همراهند، اما با توجه به زبان قرآن و همچنین در نظر گرفتن آیات دیگر نمی‌توان، احکام آنها را مختص مردان دانست.

لذا به بیان خلاصه: «اگر در سراسر قرآن کریم و همچنین سراسر سخنان عترت طاهره(ع) جستجو شود، موردی به چشم نمی‌خورد که قرآن کمالات معنوی را مشروط به ذکورت بداند یا ممنوع به انوشت بشمارد (آیت‌الله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۸۶).

با تمام تفاوت‌هایی که بین دو موجود مؤنث و مذکر وجود دارد، اما آیاتی از قرآن برای زنان مقاماتی در ردیف مردان بیان کرده که به عنوان مدیریت و هدایت جامعه و تاریخ محسوب می‌شوند. یکی از مواردی که به تنهایی برای اثبات ارج و قرب زنان از دیدگاه اسلام و قرآن کفایت می‌کند، مسئله الگو قرار دادن برخی زنان نمونه، برای دیگران است. قرآن کریم دو نفر از زنان شایسته را به عنوان الگو ذکر می‌کند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا إِيمَانٌ وَ قَانِتِينَ؛ خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند مثالی می‌زند به همسر فرعون، زمانی که گفت: پروردگارا! برای من در بهشت و در نزد خودت، جایگاهی بنا کن و مرا از فرعون و اعمال او و از قوم ظالم نجات ده. و مریم دختر عمران را که خود را از ناپاکی و آلودگی حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدم و او کلمات پروردگارش و کتب او را، تصدیق کرد و او همواره ملازم در اطاعت و خضوع بود (تحریم، آیه ۱۱ و ۱۲).

تعبیر قرآن در این آیات این نیست که همسر فرعون و یا مریم(س) نمونه زنان خوبند، بلکه آنها را مثال و نمونه‌ای برای تمام مردان و زنانی که ایمان آورده‌اند معرفی می‌کند. این مطلب حاکی است که این دو، به مقام بسیار بالایی نائل شده‌اند و لذا صفاتی را هم که برای آنها برشمرده است تنها از افرادی که درجات بالایی معنویت را درک کرده‌اند، برمی‌آید.

زن در خانواده به عنوان منبع اصلی عواطف، مهم ترین نقش را در استحکام بنیان خانواده و رشد عاطفی و اخلاقی خانواده دارد و با ایفای این نقش مهم می‌تواند خانواده را تبدیل به یک کانون پر از مهر و محبت کند و موجب آرامش مرد و سلامت روانی کودکان شود و در واقع به ارضای صحیح و به موقع نیازهای عاطفی و برقراری رابطه صمیمانه از گسستن کانون گرم خانواده جلوگیری کند.

زن در مقابل شوهر باید مهربان، صمیمی و دلسوز و حافظ و محرم حریم خانواده باشد و با عفت و پاکدامنی خود تأمین کننده نیازهای جنسی و عاطفی خانواده شود و رشد و تعالی خانواده، همه بستگی به انجام وظیفه زن در خانه دارد اگر زن این رسالت مهم را به خوبی انجام دهد اعضای خانواده به رشد و شکوفایی دست می‌یابند و آرامش واقعی بر فضای خانواده حکم فرما می‌شود. قوا و نگهداشتن نفس از حرس و بخل، رو یگردانی از لهو و لعب، حفظ عفت و پاکدامنی و اعتقاد قلبی به صبر، صله رحم و توبه از اعمال خیر و نیک در مکتب قرآن سفارش شده است و موجب سعادت کانون خانواده است.

۱. قرآن
۲. نگاهی به جایگاه خانواده در اسلام، بشارت، فصل نامه ی فرهنگی - اجتماعی، سال هفتم، ش ۲۴، بهار ۱۳۸۴.
۳. مشکینی، علی، ازدواج در اسلام، ترجمه ی احمد جنتی، تهران، انتشارات یاسر، ۱۳۵۹.
۴. شفیع مازندرانی، محمد، راز خوش بختی و اعجاز ازدواج، قم، انتشارات عطرآگین، ۱۳۸۵.
۵. قائمی، علی، تشکیل خانواده در اسلام، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۳ ش.
۶. ۱ مهارت‌های پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی زنان و دختران، بخش دوم خانواده معتدل، ص ۷.
۷. عاملی، حقوق خانواده، فصل ۲، تهران، نشر مدرسه عالی دختران ایران، ۱۳۵۰
۸. شفاهی، محسن، خانواده و اسرار خوشبختی آن، چاپ ۲، بی تا .
۹. معین، فرهنگ فارسی معین
۱۰. کاتوزیان، ناصر ، حقوق مدنی خانواده،
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۹ ، جلد ۱
۱۲. مهارت‌های پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی،
۱۳. سالاری، فاطمه، روح زن ، ج ۱، ص ۲۱.
- ۱۴.